

اقتفا دار الخلافه

بهزاد یعقوبی

۱۳۹۵



تهران، خیابان کریمخان زند، پلاک ۴۳
تلفن: ۸۸۲۳۱۲۰ - ۸۸۲۸۴۵۳ - ۸۸۲۸۸۱۴
فاکس: ۸۸۴۲۹۸۷
www.gooyabooks.com
Email: info@www.gooyabooks.com

کتابخانه
کتابخانه

سرشناسه	یغقوبی، بهزاد، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	واقفان دارالخلافة / نویسنده بهزاد یعقوبی.
مشخصات نشر	تهران : آوردگاه هنر و اندیشه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۳۲۴ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۷۴۱-۶۸-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	قیما
موضوع	واقفان-- ایران -- تهران -- سرگذشتنامه
موضوع	Waqefan -- Iran -- Tehran -- Biography
موضوع	وقف -- ایران -- تهران -- تاریخ
موضوع	Waqf -- Iran -- Tehran -- History
رده‌بندی کنگره	۱۳۰۵ بر ۱۹۳/۲ BP
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۴۴۳۱۸۳

واقفان دارالخلافة

نویسنده: بهزاد یعقوبی

ویراستار: اکرم‌السادات ساکت

طراح جلد و صفحه‌آرایی: آیدین قشلاقی

لیتوگرافی: جامع هنر

چاپخانه: خانه فرهنگ و هنر گویا

صحافی: گوهر

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۴۱-۶۸-۱

فهرست

۷	پیش‌گفتار	۶۱	حکیم هاشمی
	فصل اول	۶۲	خاندان سادات اخوی
۲۳	آقابزرگ تهرانی	۶۳	دوست‌علی خان معیرالممالک (نظام‌الدوله)
۲۴	آیت‌الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی	۶۵	رضاخان پهلوی
۲۴	آیت‌الله حسن سعید تهرانی	۶۸	رضاقلی خان سراج‌الملک
۲۶	آیت‌الله سیدهادی حسینی شاهی	۷۰	رضاقلی خان هدایت
۲۶	ابوالحسن عمیدی	۷۲	سپهبداحمد امیراحمدی
۲۸	ارباب جمشید زرتشتی	۷۴	سردار منتظم‌الدوله فیروزکوهی
۳۰	ارباب کیخسرو شاهرخ	۷۷	سیدابوالقاسم لواسانی
۳۴	اسماعیل میرزا معزالدوله	۷۸	سیداحمد میرسیاسی (سیداحمد لیستر)
۳۵	اشرف‌الملوک امینی	۷۹	سیدزین‌العابدین ظهیرالاسلام
۳۶	اللهیارخان آصف‌الدوله	۸۲	سیدعبدالله بهبهانی
۳۸	امیر قاسم‌خان قوائلو	۸۵	سیدمرتضی صدرالعلماء
۳۸	امیرمصطفی امیرسلیمانی (مشیرالسلطنه)	۸۶	شاهزاده هماخانم
۴۰	امینه اقدس	۸۷	شیخ حسین انصاریان
۴۱	انیس‌الدوله	۸۸	شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای
۴۳	بابا نوروز علی	۸۹	شیخ زین‌العابدین شاه‌حسینی
۴۴	حاج ابوالحسن معمارباشی	۹۰	شیخ عبدالحسین تهرانی
۴۵	حاج حسین آقاملک	۹۱	شیخ محمد یزدی
۴۶	حاج رجب‌علی	۹۲	سید فضا‌الله نوری
۴۷	حاج سیدهاشم قندی (تاجر کاشانی‌الاصل)	۹۴	شیخ عبدالشبی نوری
۴۷	حاج علیرضا	۹۵	شیخ هادی بن‌م‌آبادی
۴۸	حاج محمدحسن شمشیری	۹۷	صدیقه فیروزآبادی
۵۲	حاج محمدرحیم‌خان خازن‌الملک	۹۸	صفی‌علیشاه
۵۴	حاج ملاعلی کنی	۹۹	عبدالصمدخان فیلبان‌باشی
۵۷	حاج میرزا آغاسی	۹۹	عبدالله کیهانی
۵۸	حاج میرزا یحیی امام‌جمعه خوئی	۱۰۰	عبدالله‌خان کشیک‌چی‌باشی (ناظم‌السلطنه)
۵۹	حسن بقایی	۱۰۲	عبدالله‌خان معتمدالسلطان
۶۰	حسین‌علی خان معیرالممالک	۱۰۲	عزیزخان خواجه

۱۵۰	منوچهر خان معتمدالدوله	۱۰۴	علی امینی
۱۵۱	مهدعلیا	۱۰۶	علی خان ظل السلطان
۱۵۲	منیر السلطنه	۱۰۸	علیرضا خان بهاءالملک
۱۵۵	مولانا ملا محمد مقیم رازی	۱۰۹	علی قلی خان مخبرالدوله
۱۵۶	مهدی باتمانقلیچ	۱۱۰	غلامرضا خان آصف الدوله
۱۵۸	مهدی قلی خان مجدالدوله	۱۱۲	فاطمه سلطان بیگم
۱۵۹	مهدی قلی خان هدایت	۱۱۳	فتحعلی خان صاحب دیوان
۱۶۱	میرزا احمد خان علاءالدوله	۱۱۳	فتحعلی شاه قاجار
۱۶۲	میرزا احمد خان مشیر السلطنه	۱۱۵	فرخ خان امین الدوله
۱۶۷	میرزا آقاخان نوری	۱۱۶	فیلسوف الدوله
۱۶۹	میرزا ابوالحسن شیرازی (ایلچی کبیر)	۱۱۸	قمر السلطنه
۱۷۰	میرزا حسین خان سپهسالار	۱۱۹	کامران میرزا
۱۷۳	میرزا اسد کاظم مستوفی تفرشی	۱۲۲	محمد ابراهیم خان امین السلطان
۱۷۴	میرزا علی اصغر خان اتایک	۱۲۳	محمد ابراهیم خان نظام الدوله
۱۷۷	میرزا عبدالحسین فرمانفرما	۱۲۴	محمد حسن خان حاجب الدوله
۱۸۰	میرزا علی مستوفی	۱۲۵	محمد حسین خان مروی
۱۸۱	میرزا عیسی خان بیگلربیگی	۱۲۷	محمد رحیم خان علاء الدوله
۱۸۳	میرزا عیسی وزیر	۱۲۸	محمد رضا پهلوی
۱۸۴	میرزا فضل الله خان مستوفی	۱۳۳	محمد علی مظفری
۱۸۶	میرزا محمد تقی خان امیر کبیر	۱۳۵	محمد قلی خان آصف الدوله
۱۸۸	میرزا محمد فتح مازندرانی	۱۳۶	محمد مصدق
۱۹۰	میرزا محمد علی آبادی وزیر	۱۴۰	محمد میرزا سیف الدوله
۱۹۰	میرزا محمد خان موقر الدوله	۱۴۰	محمد ابراهیم مجتهد تهرانی (آغا سلیمان خواجه باشی)
۱۹۱	میرزا مسیح مجتهد تهرانی	۱۴۱	محمد مهدی ملک التجار
۱۹۳	میرزا موسی وزیر	۱۴۲	محمد ولی فرمانفرمایان
۱۹۴	میرزا یوسف مستوفی الممالک	۱۴۳	محمد هادی خان سرتیپ
۱۹۶	ناصر الدین شاه قاجار	۱۴۴	محمود خان احتشام السلطنه
۲۰۱	وجیه الله میرزا سپهسالار	۱۴۵	محمود خان کلانتر
۲۰۳	فصل دوم - وافقان ماندگار	۱۴۶	مروارید خانم
۳۰۹	فصل سوم - تصویرها	۱۴۷	ملک تاج نجم السلطنه
		۱۴۹	محمود کیهان

پیش گفتار

دومین منبع از معارف اسلامی سنت است که قول، فعل و تقریر پیامبر اسلام (ص) و نیز ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) را دربرمی‌گیرد.

نظام کاربردی وقف در شؤون مختلف اجتماعی بسیار گسترده و ثمربخش است. تأثیر وقف در پژوهش و در نتیجه در گسترش دانش و علوم که موجب شکوفایی تمدن عظیم اسلامی در قرون مختلف شد و دیگر آثار و برکت این سنت، تجربه‌ی کارسازی است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ زیرا ساختار و کارکردهای نهاد وقف بر ساختار و کارکردهای نهادهای دیگری چون نهادهای علمی، پژوهشی، آموزشی، درمانی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر مستقیم دارد. وجود هزاران مدرسه، مسجد، درمانگاه، بیمارستان، حسینیه، کتابخانه، کاروان‌سرا، رباط، حمام، قنات، آب‌انبار، پل و ... بهترین گواه و شاهد آن است.

انسان امروز با همه‌ی فرهنگ‌ها و بینش‌های گوناگونش، وقف و بنیادهای وقفی و خیریه را پدیده‌ای سودمند و در مسیر رشد و تعالی تمدن انسانی و توسعه‌ی همه جانبه‌ی جامعه حتی در مادی‌ترین تمدن‌های امروزی، می‌شناسد و پی برده که وقف، می‌تواند کارساز و سودمند باشد و در رشد و توسعه‌ی علمی، آموزشی، اخلاقی و انسانی جوامع مؤثر افتد. او دریافت بسیاری از معضلات جامعه، فقط با دولت و دستگاه‌های اجرایی قابل حل نیست و مشارکت و همیاری و همدلی و یاری مردم می‌تواند مشکلات جامعه را حل کند. فرهنگ وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش قابل‌انگیزی از کمبودها و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های مردم نیک‌دلیل را، با غلبانه برای رفع آن‌ها به کار بست. در دوران مدرن امروزی در تمامی زمینه‌ها، خصوص توسعه‌ی پایدار شهری، فرهنگ وقف با توجه به تأثیری که در توسعه‌ی اقتصادی داراست، می‌تواند به‌عنوان عاملی چاره‌گشا، نه تنها در دینی ایران با توجه به مؤلفه‌های خود مؤثر واقع شود.

بنابر اسناد تاریخی، در ایران «دیوان اوقاف» در نیمه‌ی دوم سده‌ی چهارم هجری قمری به‌وجود آمد و با تأسیس آن، دولت‌ها کاملاً در وقف دخالت و قسمتی از مخارج دولت‌ها از درآمد اوقاف تأمین می‌شده است. (در دوران سلجوقیان و در زمان سلطنت آل‌بارسلان و ملک‌شاه که خواجه نظام‌الملک وزارت آن‌ها را بر عهده داشت، موقوفاتی بخصوص در احداث مدارس «نظامیه‌ها» وجود داشت که به شصت هزار دینار می‌رسید.) در دوره‌ی ایلخانان مغول که املاک و زمین‌های وقفی بسیاری را ایلخانان

از هدف‌های عمومی وقف، دستگیری، مستمندان، کمک به محرومان، سامان دادن زندگی فرودست‌ها، تعدیل اقتصاد، صلح، صلح کردن زندگی مردم، نشر علم و دانش، گسترش فرهنگ و آموزش، بازپژیه آموزش معارف اسلامی و مبانی دینی، احداث و ایجاد مساجد، تکایا، کتابخانه، مدارس، بیمارستان‌ها، پناهگاه‌ها، مراکز عام‌المنفعه و اداره‌ی آن‌ها، احداث راه‌ها، پل‌ها، جاده‌ها، مراکز نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان، صلح و رهایی و ... است.

در قرآن کریم در مورد «وقف» آیات شریفه‌ای وجود دارد که بر «نفقة»، «احسان»، «عمل صالح»، «خیرات»، «مبرات»، «باقیات صالحات»، «ایثار» و ... صراحت دارد و از طرفی مبارزه‌ی بی‌ایمان و وحی الهی را با «کنز مال»، «تکاثر»، «تفاخر»، «استکبار سرقه»، «طفیان»، «کسب حرام»، «حُب مال»، «راندن قهرآمیز یتیم»، «پر خاش بر سائل» و ... تأکید دارد؛ از آیاتی که به‌طور عموم بر خیرات و تشویق و تحریض آن‌ها دلالت دارد آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی آل‌عمران است که می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید، مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید و بسیار محبوب است در راه خدا انفاق کنید. «هر چه انفاق کنید خدا بر آن آگاه است» و نیز آیه‌ی ۴۶ از سوره‌ی کهف که می‌فرماید: «الْأَمْوَالُ وَالْأَنْفُسُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»؛ «مال و فرزندان زینت حیات دنیاست و (لیکن) اعمال صالح که تا قیامت باقی است (مانند نماز و تهجد و ذکر خدا و صدقات جاری چون بنای مسجد و مدرسه و موقوفات و خیرات در راه خدا) نزد پروردگار بسی بهتر (عاقبت) آن نیکوتر است.»

تصرف کردند، موقوفات از پرداخت مالیات معاف بودند و پولی به دیوان نمی‌پرداختند و حق وصول همه‌ی حقوق دیوان به متولیان موقوفه منتقل می‌شد؛ اما دیوان موقوفات بر این اموال نظارت می‌کرد این دیوان در زمان سامانیان و در دولت هلاکوییان نیز وجود داشت.

بنابر منابع تاریخی - سیاحت‌نامه‌ها و کتاب‌های صفویه - در هیچ دوره‌ای از تاریخ شاهد موقوفاتی به گستردگی این دوره نبوده‌ایم. پادشاهان صفویه اموال خود را وقف بقاع متبرک شیعه و از همه پیش‌تر آستانه امام رضا(ع) در مشهد و خواهرش حضرت معصومه(س) در قم کردند. برخی از این املاک وقفی، موقوفاتی بود که به خاندان صفویه تعلق داشت، پیش از آن که در ایران به سلطنت برسند.

در زمان شاه عباس اول، بیش از هر دوره‌ی دیگری به املاک موقوفه اضافه شد در سال ۱۰۱۵ یا ۱۰۱۶ هجری قمری - شاه عباس همه‌ی املاک و رقباتش را که قیمتشان بیش از یکصد هزار تومان - ساهی عراقی بود و نیز بناها و ساختمان‌هایی در اصفهان و اطراف آن را وقف پیاده‌نظام (معصوم) کرد و طبق وقف‌نامه‌ای که شیخ بهاء‌الدین آن را تنظیم کرد، رازش که درآمد اوقاف پس از مشخص کردن حق التولیه بر اساس نظر وایار و رپریت و متولی و بنا به شرایط زمان صرف شود.

به تقلید از شاه، یکی از امیران به‌نام گنجعلی خان زیک، حاکم مقتدر کرمان - از ۱۰۰۵-۱۰۲۳ هجری قمری در نواحی جنوب‌شرقی و شرق ایران حاکم بود - تمام املاک و خانه‌هایش را وقف کرد که هنوز هم باقی هستند. نادرشاه در سال ۱۱۴۹ هجری قمری اعلام کرد که مذهب سنت، جانشین مذهب شیعه شود او در آخرین سال حکومتش طی صدور دستوری، بسیاری از اوقاف را از مردم گرفت و آن‌ها را به اضافه‌ی املاک شخصی‌اش در دفاتر ثبت اراضی وارد کرد که پس از آن به «رقبات نادری» معروف شد؛ اما نادر پیش از آن که بتواند کاملاً فرمانش را در مورد اوقاف اجرا کند، کشته شد و جانشین او، علیقلی عادل شاه فرمان وی را لغو و املاک غصب شده را به مردم پس داد.

اوقاف و موقوفات از زمان انقراض صفویه به بعد افول کرد، زیرا نادرشاه که دستور غصب موقوفات را داد، در روحیه‌ی مؤمنین و مردم اثر بدی گذاشت و توجه مردم را به وقف کم کرد، به همین دلیل موقوفات تا انقراض سلسله‌ی قاجاریه، هیچ‌وقت سر و سامان نگرفت.

در دوره‌ی قاجاری به دلیل ثبات نسبی و تقلید عمومی از دوره‌ی صفوی و قوت سنت‌های بر جای مانده از آن دوران، وقف رواج بیش‌تری یافت.

در این دوره، بخش عمده‌ی مخارج منارس، مساجد، حسینیه‌ها، کاروانسراها، آب‌انبارها و غسال‌خانه‌ها از اموال وقفی تأمین می‌شد.

از زمان پهلوی اول، به دلیل آن‌که بسیاری از متولیان وقف علما بودند، برای محدود کردن قدرت سیاسی آن‌ها، به گونه‌ای عمل شد که این اموال و طبعاً این قدرت اقتصادی از دست آن‌ها خارج شود. بعدها هم در جریان اصلاحات اراضی، بسیاری از زمین‌های وقفی به ملکیت افراد درآمد که البته پس از انقلاب با تأکید حضرت امام خمینی(ره) بر بازگرداندن آن‌ها به حالت وقفی و مصوبه‌ی مجلس، بسیاری از این زمین‌ها دوباره حالت وقفی خود را به دست آورد.

آنچه که در مورد وقف و سایر نهادهای سنتی چون وقف و ... اهمیت دارد این است که جامعه در جریان مدرنیسم، سنت‌های گذشته‌اش را دستخوش تغییر و تحول کرده و از سوی دیگر هم، قوت گرفتن دولت و جایگزینی آن به جای بسیاری از نهادهای عام‌المنفعه عمومی، کار وقف را دوچندان مشکل کرده است. در این شرایط، مردم احساس می‌کنند که برخی کارها را دولت باید انجام دهد و آن‌ها نباید تلاش کنند.

البته باید اشاره کرد از آنجایی که یکی از اصول مهم فقه اسلامی، محترم شمردن مالکیت افراد و نیت واقفان است، معمولاً در وقف‌نامه شرایطی برای حفظ وقف پیش‌بینی شده که گاه این شرایط پایدارند و گاهی هم نمی‌توانند استوار داشته باشند. در گذشته، موقوفات مهم از این جهت، شرایط پایدار داشته، اما به هر دلیل، از آنجا که برخی از متولیان سلطه‌ی تام داشته و ناظری بر کار آن‌ها نبوده، به تدریج وقف را به ملکیت خود درمی‌آوردند که همین مسئله موجب کمرنگ‌تر شدن وقف در حال حاضر شده؛ امروزه یکی از وظایف دستگاه کارایی وقف، آگاه کردن کسانی است که قصد وقف اموال خویش را دارند، انتشار آیین و مسایل حقوقی و نشان دادن راه‌های جلوگیری از تصاحب این اموال و خط آن‌ها می‌تواند کمک به حفظ موقوفات باشد. به نظر می‌رسد که فهرستی از این شرایط و مسایل باید تهیه و در اختیار واقفان جدید قرار داده شود. تنظیم متن‌های از پیش آماده شده برای وقف با ذکر شرایط ضروری و لازم، قدم مهمی برای رفتن به سوی پایداری وقف و حفظ موقوفات از زوال است که مهم‌ترین استناد قرآنی برای جلوگیری از برهم زدن شرایط وقف که در بیش‌تر وقف‌نامه‌ها آمده آیه‌ی ۱۸۱ سوره‌ی بقره است: «فَمَنْ يَذَلِّهِ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَذِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».